

نگاه متفاوت به استراتژی جدید اقا اباما

در این روزها از استراتژی جدید اقا اباما سخن در میان است نظرات کارشناسان گاهی خوشبینانه و گاهی منتقدانه در ادیو و تلویزیونها شنیده میشود به صورت عموم خوشبینی ها کماکان وجود دارد، ایاهای که خوشبین هستند حق بجانب میباشند؟ اگر به پیشینه روابط امریکا و پاکستان نگاه مختصر اندازیم جهت برداشت معقول از این استراتژی بد نخواهد بود، این روابط بعد از ورود قوای اتحاد شوروی سابق به افغانستان تحکیم بیشتر یافت کمک های بیشمار و سخاوتمندانه امریکا در زمان جهاد به پاکستان باعث شد تا اقتصاد ان کشور احیا گردد و حتی توانست که پاکستان به بمب اتوم در همین زمان دستیابد از همان اوان تا حال ISI از این کمکها مسفید بوده و مقادیر زیاد این کمکها را ISI به گروپهای وابسته بخود تقسیم میکرد است و هیچ گاهی هم از طرف CIA مورد سوال قرار نگرفته در آن وقت برای CIA میرمترین عمل مبارزه علیه شوروی بود و اتحاد پاکستان با امریکا نهایت اهمیت داشت روابط CIA و ISI در این مبارزه بسیار نزدیک بود ولی ISI زرنگانه با CIA بازی میکرد و امریکا ربا در نظر داشت منافع و خواستههای خود میچرخاند پاکستان همیشه کمک های زیاد بدست میآورد و به نفع و مقاصد خود مصرف میکرد CIA بر علاوه با عربهای که جهت کمک با مجاهدین پاکستان آمده بودند نیز کمکهای سخاوتمندانه میکرد که یکی ان اوسامه بن لادن بود که تروریزم را به اصطلاح در منطقه زائید روابط CIA تا سال 2001 نیز با اسامه مستحکم بود در جولای 2001 اسامه بن لادن جهت تداوی به دبی آمد و در شفاخانه امریکا تداوی شد که با CIA روی پلانهای بعدی طبعاً صحبت صورت گرفت و اسامه دوباره به منطقه اعزام میشود سوال در این است که امریکا در این منطقه چه پلانهای داشت که در وجود اسامه باید عملی میشد؟ بنظر من پلانهای طویل المدت است که تاحال سرکلاوه ان دقیق معلوم نمیشود پلان ها استراتژی یک و تسلط بالای منابع انرژی و منطقه کماکان اشکار است در مقاله پر اهمیتی که در شماره ماه اکتبر " 2002 مجله هارپر " به قلم دیوید آرسترونک زیر عنوان (اهنگ دیک چینی برای امریکا) طرح نقشه ای برای سلطه بر جهان "به چاپ رسیده بود، و آخرین روایت آن در ماه سپتامبر (2002) زیر عنوان «استراتژی ایالات متحده امریکا» انتشار بیرونی پیدا کرد که بخش های ان در لاس آنجلس تایمز و بعد نیویارک تایمز نشر شده بود که پلان امریکارا در سلطه بر جهان افشا میکرد. در این جا بيمورد نخواهد بود که بگویم که اسامه در کشاندن پای امریکا به منطقه رول داشته است پس اگر این فرضیه درست باشد مبارزه علیه تروریزم و القاعده به چه مفهوم است؟ و امریکا در منطقه دنبال چیست؟

در استراتژی جدید امریکا گفته میشود « امریکا ، تلاش میکند تا از طریق حمایت مردم و حکومت پاکستان، دموکراسی را در آن کشور حمایت نموده و میخوهد تا از طریق کمک به مردم پاکستان ، بین مردم پاکستان و القاعده که برای امریکا و جهان خطر آفرین است، فاصله به وجود آورد.» این فاصله چطور میتواند بوجود آید که موقف امریکا در منطقه روشن نیست و هم برخورد امریکا با پاکستان معامله گرانه است هیچ گاه امریکا از فشار معقول و قابل قبول بالای پاکستان استفاده نکرده است در جای دیگر این استراتژی آمده است « به منظور کمک به دولت و مردم پاکستان برای مبارزه علیه تروریزم ، سالانه مبلغ یکنیم میلیارد دالر (برای مدت پنج سال) کمک به پاکستان را از سنای امریکا مطالبه میگردند ، به شرط آنکه این پول در مبارزه علیه طالبان و القاعده به مصرف برسد .» کمکهای امریکا از سال 1978 سخاوتمندانه به پاکستان سرازیر گردیده و همیشه بی حساب بوده که ISI این کمکها را بیدریغ علیه افغانستان استعمال کرده است اکنون که این کمکها یکنیم میلیارد دالری به پاکستان صورت میگرد هیچ نوع تضمین وجود ندارد که این پلان بین القاعده و مردم پاکستان فاصله ایجاد کند چون تقسیم گر همان ISI است که تا اکنون با CIA بازی کرده جالب این است که کمکها در حال صورت میگرد که در یاسالار مایک مولن، رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا ساعاتی پس از اعلام استراتژی جدید این کشور در مورد افغانستان و پاکستان گفت سرویس اطلاعات نظامی پاکستان (ISI) با پیکارجویان در مرز این کشور با افغانستان و هند ارتباط دارد.

ژنرال دیوید پترنوس، رئیس ستاد فرماندهی نیروهای امریکا در خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای میانه نیز گفت افسران اطلاعاتی پاکستان اخیرا به پیکارجویان خبر داده بودند که محل استقرار آنها افشاشده و افزوده که برخی از گروه های پیکارجو توسط ISI ایجاد شده و از طرف ایشان حمایت میشوند. برخی مقام های امریکایی پا را از این فراتر نهاده و در مصاحبه با روزنامه نیویورک تایمز، در سخنانی غیر رسمی گفته اند که تقویت مواضع طالبان در جنوب افغانستان عمدتاً با پول و تجهیزات نظامی ارسالی از پاکستان صورت گرفته است. این مقام ها گفته اند که اعتماد متقابل بین طرفین با چنین اقدامات از بین میرود.

حال وقتی بلند پایه ترین مقام امریکا در مورد تردید نظر دارد چطور امکان دارد که این استراتژی نتیجه مطلوب بدست دهد ولی باوجود این هوشدار مقامات نظامی امریکا تادیه این کمکها به پاکستان نشاندهنده همان سیاست گنگ امریکا در منطقه است که تحت تأثیر بحران اقتصادی قرار گرفته است و وقت گذرانی میکند ایا بهتر نبود جای تادیه یکنیم میلیارد دلار به پاکستان، ارتش پاکستان و بخصوص ISI از طرف امریکا و ناتو تحت فشار اقتصادی قرار میگرفت و در ساحه نظامی تحریم های علیه اردو پاکستان که تجهیزات نظامی امریکای در اختیار دارند وضع میشد طور مثال عدم تادیه قطعات طیارات «اف 16» به پاکستان موثر تر بود و تادیه این کمکها کاملاً منحصر میشد به اقدامات سریع و روشن پاکستان در برابر ISI و به مطالبه نتایج ملموس منوط میگردد ، در این صورت ثابت میشد که امریکا واقعاً در مبارزه با تروریسم صادق است و هم پاکستان مجبور میشد تا صادقانه عمل نماید، پاکستان در طول این سی سال یگانه کشور است که بیشترین نفع از جنگ افغانستان برده است و باز هم میبرد تادیه این پول هیچ نوع تأثیر در رفع خطر تروریسم نخواهد کرد، و اگر این پول در داخل افغانستان جهت بهبود زندگی مردم بمصرف برسد به بعقین که در وضع امنیت بهبود قابل ملاحظه می آورد تادیه کمکهای امریکا به افغانستان و استفاده موثر از آن که بالای سطح زندگی مردم اثر ژرف داشته باشد بیک حکومت قوی و فارغ از فساد ضرورت دارد در قسمت از این استراتژی آمده است « دولت افغانستان ، دولت انتخاب شده مردم است ، ولی فساد اداری باعث ضعف آن شده است اگر دولت افغانستان میخواهد طرف حمایت مردم قرار گیرد ، باید هر چه زودتر به فساد در آن دولت خاتمه دهد.»

تا جائیکه دیده میشود در مورد فساد در اداره دولت چندبار یاد شده چیزی که قریب است اقا رئیس جمهوری (افاکرزی) از آن منکر شود ولی تنها فساد اداری بخاطر ایجاد امنیت کافی نیست تا عوامل فساد و منابع تشنج افزا از بین برداشته نشوند وضع زندگی مردم بهبود نیابد یک حکومت قوی مردمی بوجود نیاید نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه در دولتمسازي سهیم نشوند قوای مسلح افغانستان تقویه نشود، در قسمت از استراتژی گفته شده « اردوی افغانستان حق دارد که طالبان و تروریست هارا در سرحدات نیز مورد تعقیب و حمله قرار دهد.» ایا اردو فعلی با این کیفیت و کمیت قدرت تعقیب دشمن را دارد؟ البته که نه، بناً تقویه اردو از نظر کمی و کیفی با در نظر داشت موقعیت و سرحدات اسیب پذیرا ن امر ضروری پنداشته میشود تقلیل قوای خارجی بلند بردن وضع اقتصادی مردم در وجود یک حکومت مرکزی قوی، و تقویه نهاد های دولتی و بخصوص اردو، پولیس و امنیت ملی باعث بوجود آمدن اعتماد ملی شده و از نفوذ دشمن کاسته و در محو تروریسم کمک مینماید.

رویکردها:

- 1-سایت محیط گلشن و رادیو بی بی سی
- 2-ترجمه استراتژی گرفته شده از سایت افغانستان نیوز